

رمان نوجوانانه «تن تن و سندباد» روی پله چهل‌ویکم

**تنهارمان ایرانی درباره تهاجم فرهنگی به عدد ۱۸۰ هزار نسخه رسید**

**چاپ چهل و یکم رمان ایرانی «تن تن و سندباد»، تنهارمان کشورمان درباره تهاجم فرهنگی از سوی انتشارات قدیانی چاپ شد.** بر اساس این گزارش، رمان «تن تن و سندباد» یکی از آثار محمد میرکیانی است که آغاز دهه ۷۰ با موضوع

تهاجم فرهنگی به نگارش درآمد و در همان سال مقام معظم

رهبری تفریطی برای آن نوشتند. شخصیت‌های رمان «تن تن و سندباد» را قهرمانان قصه‌های حماسی و ادبیات کهن و عامیانه ایرانی و برخی از قهرمانان سینمایی و تلویزیونی مغرب زمین تشکیل می‌دهند. این اثر توسط دکتر برنا کار گاو لگو، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آگری توسط انتشارات مهنا در ترکیه منتشر شد. همچنین در کشور لبنان با ترجمه عزت فرحات با کوشش انتشارات دارمیم به چاپ رسید. «تن تن و سندباد» مورد استقبال گسترده نوجوانان قرار گرفت و چاپ چهل و یکم آن با تلاش انتشارات قدیانی در شمارگان ۳هزار و ۳۰۰ نسخه منتشر شد. از زمان رسانهای شدن تقریظ مقام معظم رهبری بر کتاب، تاکنون هر دو ماه یک بار این اثر تجدید چاپ شده است. گفتنی است رمان «تن تن و سندباد» تنها رمان ایرانی درباره تهاجم فرهنگی است که به تیراژ ۱۸۰هزار نسخه رسیده است.

## روایت سنگری از تأثیر منفی یک کتاب اروپایی بر نویسندگان ادبیات دفاع مقدسی

بخشی از نویسندگان ما تحت تأثیر ادبیات جنگ در اروپا قرار گرفتند، به دام افتادند، ارزش‌ها نادیده گرفته شد و به تلخی‌های جنگ پرداختند. محمدرضا سنگری نویسنده، شاعر و پژوهشگر ادبیات با بیان این مطلب و با اشاره به پیام رهبر انقلاب به مؤسسه شهرستان ادب گفت: معمولاً پس از وقوع یک انقلاب و حرکت بزرگ همیشه این خطر وجود دارد که حتی باورمندان نسبت به آن دچار نوعی واگرایی و به زبان دیگری که در ادبیات دینی‌مان داریم دچار ارتداد شوند. ارتداد یعنی از آن چیزی که بوده‌اند یا پشیمان شوند یا نسبت به آن کم‌توجهی کنند، حتی مواردی داشته‌ام که عده‌ای از گذشته خود پشیمان شده‌اند، یعنی حتی از حضورشان در انقلاب، جبهه و جنگ پشیمان شده‌اند. در دهه ۱۳۷۰، بخشی از نویسندگان ما تحت تأثیر ادبیات جنگ در اروپا قرار گرفتند، برای مثال کتاب «غرب خبری نیست» را از ملرک خواندند و تحت تأثیر آن نوعی دگرگونی در ادبیات داستانی‌مان رخ داد. به جای اینکه ارزش‌های حماسی مردم را رقم بزنند، یعنی از آن چیزی که تاریخ جنگ را درشت و بزرگنمایی کردند تا ارزش‌های پیشین گم شود، به عبارت دیگر به دام افتادند و ارزش‌ها نادیده گرفته شد و به تلخی‌های جنگ پرداختند.



سنگری ضمن اشاره به اینکه این اتفاق هم در داستان و هم در شعر رخ داد، گفت: ممکن است عده‌ای تحت تأثیر مسائل مختلفی آرام از مواضع خود عقب‌نشینی کرده یا فاصله بگیرند. این موضوع نوعی وادادگی یا عقب‌نشینی است. این ارتداد در عرصه سیاست، فکر، اعتقاد و ادبیات هم رخ می‌دهد. باید مراقب باشیم که نسل جوان نویسندگان و شاعران به این دام نیفتند. در ادبیات داستانی دهه ۷۰ و به طور شاخص‌تر در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ می‌توانیم نمونه‌های آن را ببینیم و متأسفانه بعضی از آنها در انتشارات‌های متعلق به انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است. وی با تمجید از فعالیت انتشارات شهرستان ادب گفت: جریان که تلاش کرد دیگران را از این ورطه نجات دهد، شهرستان ادب شهرستان ادب است. شهرستان ادب عملکردی هوشمندانه، متعهدانه و عالمانه در این زمینه داشته است، البته که اگر مجموعه‌های متعدد مراقبت نکنند ممکن است خدای ناخواسته دامگیر آنان هم بشود.

### رسانه



| روزنامه جوان | شماره ۶۲۱۶ | چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰ | ۱۴ | شوال ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۲۰:۱۱ | اذانمغرب: ۲۰:۳۱ | نیمه‌شب: ۰۱:۰۱ | اذانصبح فردا: ۰۴:۰۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۲۲

# این یک کتاب ساده است بدون هیچ گرایشی!



مینا فراتی

**مینا فراتی** زینب کبیریان را از کار آفرینی فرهنگی‌اش در کرمان می‌شناختم که چندین نفر از بانوان بومی را مشغول کار کرده بود. او فارغ‌التحصیل دکتری ادبیات فارسی است که به فرهنگ بومی استان خود، کرمان، علاقه زیادی دارد. به تازگی کتابی از او توسط «نشر آرش» منتشر شده است که موضوعی کاملاً زبانه دارد. «سکوت ضروری» روایت‌هایی از سکوت‌های زبانه در موقعیت‌های مختلف زندگی است که کبیریان آنها را غیر ضروری می‌داند. کبیریان اصرار دارد که «این یک کتاب ساده است، بدون هیچ گرایشی!». «جوان» یا این نویسنده گفت‌وگو کرده است.

**آیا شخصیت‌ها و داستان‌هایی را که حول آنها شکل گرفته، با الهام از افراد و مسائل زندگی آدم‌های واقعی نوشتید؟**

بله. زن‌هایی که درباره‌شان نوشتم، از ترکیب افرادی که بین دوستانم، ویلاکتویس‌ها، تجربه‌های خود دیدم، خلق کرده. به هر حال هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند قصه‌ای را بنویسد که زندگی نکرده است ولی هیچ شخصیتی کاملاً واقعی نیست. قصه‌ها هم‌موقعیت ناشنا وجودی نیستند. سال‌هاست آدم‌های زیادی را دیدم و قصه‌های زیادی از زندگی‌شان شنیده‌ام. من یاد گرفتم‌ام که هر کسی یک قصه شنیدنی دارد، لازم نیست آن قصه حتماً پر از گفتگی باشد.

**در کتاب «سکوت ضروری» از واژه‌ها، اصطلاحات و خرده‌فرهنگ‌های بومی کرمان زیاد استفاده کرده‌اید. چه دغدغه و هدفی باعث شد به سمت استفاده از این‌المان‌ها بروید؟**

من بیشتر از اینکه نویسنده باشم، پژوهشگر فرهنگ و ادبیات مردم هستم. اگر از قصه‌هایم، کلمات و فرهنگ بومی را بگیرد، انگار که آفتاب تند و کویر پاکیزه را از کرمان گرفته باشد. این‌طوری نوشته معنای خودش را از دست می‌هد، مخصوصاً در قصه‌های «پیرالو» و «سلما» که قصه به شکل واضح در استان کرمان اتفاق می‌افتد، ضمن اینکه هر کدام از ما ریشه در بخشی از این خاک و فرهنگ آن داریم و موظفیم در حفظ و حراست از آن بکوشیم. برای زنده نگه داشتن خرده‌فرهنگ‌ها باید جلوه‌های متنوع‌شان را در هنر، ادبیات و زندگی روزمره به کار ببریم،

### روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌وران نشر روز مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی سردبیر: غلامرضا صدقیان آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میزای شیرازی، پلاک ۲۸۴ سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۵۰ روابط عمومی: ۸۸۸۴۵۶۳۴۴-۶- نامبر: ۸۸۸۴۵۶۳۴۴-۶- تویچ: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴ چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان **www.javanonline.ir**

| روزنامه جوان | شماره ۶۲۱۶ | چهارشنبه ۵ خرداد ۱۴۰۰ | ۱۴ | شوال ۱۴۴۲ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۲۰:۱۱ | اذانمغرب: ۲۰:۳۱ | نیمه‌شب: ۰۱:۰۱ | اذانصبح فردا: ۰۴:۰۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۵:۲۲

### حکمت

امام زین العابدین(ع):

آن که حکیمی برای رهنمایی نیافت، هلاک گشت.
بحارالأنوار: ج ۷۸ ص ۱۵۹ ح ۱۰

سواد و توانایی‌مان را نفی کنیم. برای داشتن این قدرت هم لازم نیست دست به دامن جنبش‌هایی مثل فمینیسم شویم. از نظر من جست‌وجوی آگاهی درباره حقوق زنان لزوماً مترادف با اعتقاد به جنبش‌هایی مانند فمینیسم نیست. ترجیح می‌دهم به جای راه رفتن روی لبه تیغ فمینیسم، تشیع داشته باشیم، اگر چه ما مجریان منصفی برای این قوانین نبوده‌ایم. کافی است آگاه باشیم و حرف بزنیم. اصلاً ما وقتی رفتار و شیوه تعامل پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) را با حضرت فاطمه(س) می‌خوانیم، می‌بینیم که اساساً نязی نیست دست به دامن تفکر دیگری شویم.

**سکوت کدام شخصیت قصه‌ها پتان را سخت‌تر می‌دانید؟**
به نظرم ماهی کار سختی داشت؛ زن باوشی که در شغل پرچالشی مثل خبرنگاری موفق بوده. این درناک‌ترین خاموشی قصه من بود. ماهی راهی برای خودش نمی‌بیند. نه قانون حامی اوست، نه خانواده موافق جدایی هستند. مرده‌قم هم به زغم دسته‌گلی که به آب داده و راستش دوست‌ناشتم در قصه به آن اشاره کنم، با علم بر شرایط ماهی حتی برای عذر خواهی هم با پیش نمی‌گذارد.
**ملاجلده همین کتاب؟**
بله. از قصه و کلمه دور نشویم، اما هنرهای دستی سنتی هم به اندازه کلمات و قصه‌های مردم اهمیت دارند.
**چرا کنش اصلی زن‌های قصه در موقعیت‌های سختی که قرار دارند، سکوت است؟**
سکوت یک کنش متداول در رفتارهای زنانه است. رزاهای زنانه، مجموعه‌ای از عواطف، رنج‌ها و حتی عقاید ماست که معمولاً هر بار به ضرورتی پنهان می‌ماند. این اتفاق حتی درباره زنان تحصیلکرده امروزی نیز صدق می‌کند. امروز بسیاری از خانم‌ها در مشاغل کلیدی، بسیار موفق عمل می‌کنند. خانم‌های کارآفرین، به ویژه در عرصه هنر و نشر کت‌های خلاق، واقعاً پیشترو هستند اما در ناخودآگاه تاریخی مردم ما یک گفتمان جنسیت‌زده وجود دارد که اجازه از آن فقط به شکل آگاهانه ممکن است. امروز به‌دید تجربه خودم را برایتان بگویم که خیلی از دوستانم هم آن را تجربه کرده‌اند. خیلی از ما پارها در جلسات مختلف کاری با هم‌اندیشی که اغلب شرکت‌کنندگان آقایان هستند، سکوت کرده‌ایم. من در مقابل مردی که با نذرتدرین کلمات و به‌طور کاملاً غلط، جدیدترین پژوهش‌م را نقد می‌کند، سکوت می‌کنم. خیلی وقت‌ها بعد از جلسه متوجه می‌شوم که آن آقا اصلاً ادبیات فارسی نخوانده و تحصیلاتش در یک رشته کاملاً متفاوت است یا در جلسات کاری، موقعیت شرکتی را که خانی از دوستانم برایش خون دل خورده، به رئیس مرکزشان نسبت می‌دهند و او سکوت می‌کند یا طوری که باید، نمی‌تواند ابداً قصیه را روشن کند، چون گفت‌وگویی رقابتی، یک مهارت تاریخی مردانه است و گفت‌وگوی دوستانه یک مهارت تاریخی زنانه! جدا از آنکه در تأیید خاموش بودن خانم‌ها، کلی وصله‌های من در آوردی و هنجارهای جدید به این قبا چسبانده‌اند.

**چه کسی این وصله‌ها را چسبانده؟**
خیلی وقت‌ها خود ما. من لزومی نمی‌بینم قدرت، وگرنه به مرور، بخش‌های مهمی از آن را از دست خواهیم داد. این اصطلاحات و خرده‌فرهنگ‌ها، آنقدر دلچسب و جذاب هستند که می‌توان کتاب‌های جداگانه‌ای با محوریت آنها نوشت ولی هر هنرمندی، اگر فرهنگ بومی خطه خود را در هنر خود بکنجد، نمی‌تربید در حفظ آن و انتقالش به نسل‌های بعد مؤثر خواهد بود.

**بله. از قصه و کلمه دور نشویم، اما هنرهای دستی سنتی هم به اندازه کلمات و قصه‌های مردم اهمیت دارند.**

**چرا کنش اصلی زن‌های قصه در موقعیت‌های سختی که قرار دارند، سکوت است؟**

سکوت یک کنش متداول در رفتارهای زنانه است. رزاهای زنانه، مجموعه‌ای از عواطف، رنج‌ها و حتی عقاید ماست که معمولاً هر بار به ضرورتی پنهان می‌ماند. این اتفاق حتی درباره زنان تحصیلکرده امروزی نیز صدق می‌کند. امروز بسیاری از خانم‌ها در مشاغل کلیدی، بسیار موفق عمل می‌کنند. خانم‌های کارآفرین، به ویژه در عرصه هنر و نشر کت‌های خلاق، واقعاً پیشترو هستند اما در ناخودآگاه تاریخی مردم ما یک گفتمان جنسیت‌زده وجود دارد که اجازه از آن فقط به شکل آگاهانه ممکن است. امروز به‌دید تجربه خودم را برایتان بگویم که خیلی از دوستانم هم آن را تجربه کرده‌اند. خیلی از ما پارها در جلسات مختلف کاری با هم‌اندیشی که اغلب شرکت‌کنندگان آقایان هستند، سکوت کرده‌ایم. من در مقابل مردی که با نذرتدرین کلمات و به‌طور کاملاً غلط، جدیدترین پژوهش‌م را نقد می‌کند، سکوت می‌کنم. خیلی وقت‌ها بعد از جلسه متوجه می‌شوم که آن آقا اصلاً ادبیات فارسی نخوانده و تحصیلاتش در یک رشته کاملاً متفاوت است یا در جلسات کاری، موقعیت شرکتی را که خانی از دوستانم برایش خون دل خورده، به رئیس مرکزشان نسبت می‌دهند و او سکوت می‌کند یا طوری که باید، نمی‌تواند ابداً قصیه را روشن کند، چون گفت‌وگویی رقابتی، یک مهارت تاریخی مردانه است و گفت‌وگوی دوستانه یک مهارت تاریخی زنانه! جدا از آنکه در تأیید خاموش بودن خانم‌ها، کلی وصله‌های من در آوردی و هنجارهای جدید به این قبا چسبانده‌اند.

**بله. شادابی که من می‌شناختم سردرگم بود. دلش می‌خواست قوی باشد و به جمع دیگری از زنان بپیوندد، اما خیلی چیزها دست و پایش را بسته بود، مثلاً اینکه هنوز از اینکه با زنی مقایسه شود، ناراحت می‌شد. زن‌هایی مثل شاداب، دسته‌های گل هستند، فقط به نظرم حیف شدند.**
**کدام زن شبیه خود شماست؟**
قصه سلما که تنها آدم‌های واقعی کتاب را در خود دارد، شبیه یک روز از زندگی خود من است اما بقیه شخصیت‌ها را ساختم، مثلاً نیاتو یا آقای میم.

### نما مهدی از ادبیت



### کتاب

نویسنده کتاب «صور» در آیین رونمایی این اثر:

## «صور» رادلی نوشتم و یک عمل معتقدانه است

**ممکن است بگویید چرا فلسطین؟ من همیشه این شعر از سعدی در ذهنم است که (تو کز محنت دیگران بی‌غمی / نشاید که نامت نهند آدمی)**

ایران است و این نشان می‌دهد که هر جا مقاومت باشد، بالاخره نتیجه خواهد داد و هر چقدر راه سختی در پیش باشد، اما در نهایت، حاصل آن گشایش است. یاسر جبرئیلی، استاد دانشگاه نیز در ادامه این مراسم ضمن تبریک سالروز آزادسازی خرمشهر گفت: برای سخن گفتن در رابطه با رمان «صور» به ذهنم رسید کمی از رویداد انتشار کتاب فاصله بگیریم و از دور به این موضوع نگاه کرده و جایگاه این کار را در هستی مرور کنیم و اهمیت آن را دریابیم.

وی با اشاره به جمله‌ای از دکتر شریعتی در کتاب «انسان»، افزود: ایشان در این کتاب، جمله‌ای دارند با این مضمون که «هنر، یک پنجره‌ای است که انسان محسوس در قالب این عالم، به بیرون باز می‌کند و مذهب، راهی است که انسان را به عالمی که با این عالم دارد می‌برد». بنابراین خیلی مهم است که کارکرد هنر در عالم را بشناسیم تا از روزمرگی نجات یابیم. مجتبی رحماندوست، نویسنده و استاد دانشگاه در بخش دیگری از این برنامه به نقد رمان «صور» پرداخت و گفت: این اثر یک رمان ایرانی با زبان فارسی خوب، املا‌ی درست و عموماً با جمله‌های کوتاه و رساست که از مزایای کتاب به‌شمار می‌آید. رمان، رمان ارعین، قدس، مقاومت و فلسطین است و یادآور این جمله کلیدی حضرت امام(ره) است که فرمودند: «راه قدس از کربلا می‌گذرد.» وی اظهار کرد: به رغم اینکه رمان درباره ارزش‌ها، اعتقادات، سیاست و از این قبیل است، نویسنده در دام کلیشه نینفاده و جنبه ادبی و هنری خود را حفظ کرده است. رمان با روح معنوی، دینی و شیعی عجین است و همین بر ارزش کار افزوده و به نظر می‌رسد بستر اصلی کار که رمان را پیش می‌برد، بر پیاده‌روی ارعین قرار دارد.

رحماندوست افزود: این رمان، ترکیبی از حوادث منطقه، دعا، روضه و اطلاعات تاریخی از مسجدالاقصی است. در این رمان به جنایات داعش نیز پرداخته شده و برجسته‌کردن این ایده که فلسطین کربلای روزگار است، از نقاط برجسته این اثر است. نویسنده در این رمان، دردنامه و رنج‌نامه انسان فلسطینی معاصر را ارائه می‌دهد. هرچه رمان کلاسیک است، اما در برخی از فصول به رمان مدرن گرایش پیدا کرده است.

### گفت‌وگو

در گفت‌وگوی «جوان» با سیامک خواجه‌وند مطرح شد

## سریال خوب افق‌های تازه‌ای به روی جامعه باز می‌کند



روایت سطحی از اتفاقات و تحلیل سطحی از رویدادها نمی‌تواند چاره راه رسانه‌های سمعی – بصری ما باشد و باید به دنبال‌نگاه عمیق‌به اتفاقات باشیم. سیامک خواجه‌وند کارگردان با بیان این مطلب به «جوان» گفت: رسانه‌ای را فایده‌گر است که همراه با تحولات روز جامعه حرکت کند و اگر این حرکت روزآمد از منظر تکنیکی، محتوایی رو به رشد باشد، قطعاً می‌تواند روزبه‌روز بر آمار مخاطبان بیفزاید.

کارگردان «ففس شیرین» ادامه داد: از رسالت‌های رسانه‌های جمعی یکی همگام بودن با تحولات روز جامعه است تا پویا و خلاق باشد و دیگر اینکه فای‌هایی با وسعت بیشتر را ببینند و به نحوی

و جامعه در آن حرف اول را بزنند، هدایت‌کنند. سیامک خواجه‌وند جلوتر از جامعه‌گام بر دارد و دوراندیش‌تر باشد و به عبارتی فقط نوک بینی خود را ببینند. رسانه‌ای مثل سینما یا تلویزیون یا شبکه خانگی وقتی می‌تواند پویا باشد که در محصولاتش نگاه عمیق به اتفاقات را شاهد باشیم و دقیقاً خلایق هم در همین است که در بزرگراه‌های رسانه‌ها بازتاب دهنده خواسته‌های مردم باشند و حتی بتوانند خواسته‌های مردم را به سمت و سویی که منافع ملی و جامعه در آن حرف اول را بزنند، هدایت‌کنند. سیامک خواجه‌وند ادامه داد: شرایط کرونا چالش‌های اقتصادی بی‌شماری را برای مردم در کنار محدود شدن ارتباطات و مرادوات خانوادگی به وجود آورد. این موضوع مناسفانه در کمتر سریال تلویزیونی به جز چند اشاره گذرا و به دور از نگاه عمیق به آن پرداخته شده است. این کارگردان ادامه داد: در شبکه خانگی هم تقریباً اوضاع تفاوت چندانی ندارد، چون همچنان سوزنه‌هایی دور از زندگی مردم هستند که اول و آخر سریال‌ها را پر کرده‌اند و خیلی که هنر کنند

<sup>[1]</sup> سیامک خواجه‌وند کارگردان با بیان این مطلب به «جوان» گفت: